

دوفصلنامه مطالعات
تفسیری قرآن کریم
شماره نهم، پاییز و زمستان ۱۴۰۱

ویژگی‌های کتاب المفردات راغب و بررسی روش‌های معنایابی واژگان در آن

مینا شمخی *

عیسی محمودی مزرعاوی **

چکیده

هدف اصلی این مقاله، بررسی روش‌های معنایابی واژگان قرآنی در کتاب «المفردات فی غریب القرآن» و نیز ذکر برخی از ویژگی‌ها و خصوصیات این کتاب است. از آنجا که روش‌های متعددی برای معنایابی واژگان قرآنی وجود دارد، در رابطه با کتاب «المفردات فی غریب القرآن» این سؤال مطرح می‌شود که مؤلف این کتاب برای تبیین معنای مفردات قرآنی چه روش‌هایی را به کار برده است؟ دوم اینکه، این کتاب، به غیر از تبیین معانی واژگان قرآنی، چه خصوصیتی دارد؟ در پایان این پژوهش، که به صورت کتابخانه‌ای و به روش تبیینی - تحلیلی انجام گرفته است، این نتیجه حاصل گردید که: اولاً مؤلف کتاب «المفردات فی غریب القرآن»، روش‌های متعددی مانند استناد به روایات، تعیین مصادیق الفاظ، روش تفسیری قرآن با قرآن و ... را برای تبیین معنای واژگان قرآنی به کار برده است. ثانیاً این کتاب، نه تنها یک کتاب جامع برای فهم معنای واژگان قرآن است؛ بلکه یک دایرة المعارف بزرگ قرآنی است که می‌توان در موضوعات میان‌رشته‌ای، اخلاقی، کلامی، فقهی و به‌ویژه معناشناختی واژگان قرآنی و تفسیر آیات، از آن بهره برد و به آن استناد کرد.

واژگان کلیدی: المفردات فی غریب القرآن، راغب اصفهانی، معنایابی، واژگان قرآنی.

اگرچه موضوع اصلی کتاب های لغت، به ویژه آنهایی که در رابطه با لغات قرآن می باشند، تبیین ریشه، اشتقاق و معنی واژه ها با در نظر گرفتن زبان مردمان زمان نزول و مخاطبان نخستین و با استناد به اشعار و سخنان آنها است، اما برخی مؤلفان این کتب، فراتر از این هدف عمل کرده اند. یکی از این آثار، کتاب «المفردات فی غریب القرآن» است که مؤلف آن ابوالقاسم حسین بن محمد، معروف به راغب اصفهانی (م ۵۰۲ق) است. در رابطه با کتاب «المفردات فی غریب القرآن»، دو پرسش ذیل مطرح می شود:

۱. مؤلف این کتاب، چه روش هایی را برای تبیین معانی واژگان قرآنی به کار برده است؟
۲. خصوصیات و ویژگی های کتاب «المفردات فی غریب القرآن» چیست و آیا این کتاب، تنها یک کتاب تبیین معانی واژگان قرآنی است، یا می توان در زمینه ها و حوزه های دیگر از آن بهره بُرد؟ پاسخ به پرسش های فوق از آنجا حائز اهمیت است که باعث می شود محققان در حوزه قرآن، به فهم و درک هرچه دقیق تر واژگان قرآنی و در نهایت، فهم و تفسیر آیات قرآنی دسترسی داشته باشند؛ زیرا این کتاب، یکی از مهم ترین تألیفات در موضوع مفردات قرآنی به شمار می آید. این اهمیت تا جایی است که تقریباً علما بر این نکته اجماع دارند که در بین مؤلفات متعددی که در این زمینه تالیف شده اند، کتاب «مفردات راغب» دارای رتبه اول است. همچنین کمتر مؤلفی در حوزه علوم قرآنی و تفسیر و... وجود دارد که به اهمیت و جایگاه این کتاب اذعان نداشته و از آن تجلیل نکرده باشد (فرحات، بی تا، ص ۹).

درباره کتاب المفردات، تحقیقات و پژوهش هایی صورت گرفته که بیشتر در حوزه اشتقاق لغات و معانی واژگان است. از جمله این تألیفات، کتاب «معاجم مفردات القرآن» از احمد حسن فرحات است که در آن، علاوه بر اشاره به روش تألیف و ترتیب کتاب مفردات، به ذکر برخی از خصوصیات این کتاب پرداخته است. همچنان که در این کتاب، روش کار راغب در مفردات، با روش کار چهار کتاب دیگر در این زمینه مقایسه شده است (ر.ک: فرحات، بی تا، ص ۹).

در کتابی با عنوان «بررسی روش تفسیری راغب اصفهانی» از امیر احمد نژاد، که توسط پژوهشگاه حوزه و دانشگاه منتشر شده و نیز مقاله‌ای با عنوان «راغب اصفهانی، قرآن پژوه و مفسر قرآن» از سید محمد علی ایازی، که در مجله «مطالعات روش شناسی دینی» به چاپ رسیده است، به ابعاد شخصیتی، عصر زندگی، معرفی آثار و مؤلفات و همچنین تبیین قواعد تفسیری راغب اصفهانی پرداخته شده است.

در کنار آثار مرتبط با معرفی راغب، برخی از پژوهش‌ها، به نقد و بررسی و تبیین خطاهای موجود در مفردات پرداخته‌اند؛ مانند مقاله «نقد و بررسی کتاب مفردات راغب» از مرتضی ایروانی و کتاب «رساله فی اغلاط مفردات راغب» از علی کورانی عاملی. پژوهش دیگر در این زمینه، مقاله «التنبیها ت علی التاویلات فی کتاب المفردات للراغب الاصفهانی» از محمد بن عبدالرحمن الخمیس است که در آن، بر دیدگاه‌های کلامی راغب مبنی بر نفی جسمانیت از خداوند متعال اشکال گرفته است. برخی نیز به تحقیق و استخراج آیات، روایات، اشعار و نکات صرفی و نحوی در کتاب مفردات پرداخته‌اند؛ مانند پایان‌نامه‌ای با عنوان «تحقیق و تصحیح کتاب مفردات راغب» از محمد حسین قوچانی و نیز تحقیق کتاب مفردات از صفوان عدنان الداودی.

این پژوهش قصد ندارد تا بار دیگر بحث اشتقاق و ریشه لغات و یا نحوه تألیف، ترتیب و چینش کتاب مفردات را بررسی کند و یا به استخراج آیات و روایات ذکر شده در آن بپردازد؛ بلکه قرار بر آن است تا برخی از نکات و خصوصیات جانبی که راغب اصفهانی در ذیل شرح واژگان به آنها اشاره کرده است، بحث شود. علاوه بر آن، برخی از دیدگاه‌های تفسیری راغب، مورد مناقشه قرار گرفته و همسویی یا اختلاف نظر وی با دیگر مفسران در تفسیر برخی آیات، بررسی گردد. همچنین سعی شده است نمونه‌هایی از مباحث اخلاقی، فقهی و کلامی راغب، به همراه عنوان و شماره صفحه آن در کتاب المفردات، برای استناد و استفاده محققان ذکر شود. در این پژوهش، به برخی اشکالات در کتاب المفردات مانند خطا در تعیین مصادیق الفاظ و نیز استناد به روایات ضعیف و... در ذیل روش‌های تعیین معانی واژگان، اشاره شده است. علاوه بر آن تلاش شده تا برخی از خصوصیات و اطلاعات ارزشمندی که مؤلف در ذیل شرح واژگان آورده است، ذکر گردد. در ادامه مقاله، نکات و مواردی که در بررسی کتاب «المفردات فی غریب القرآن» مورد بررسی و

توجه قرار گرفته‌اند، تشریح خواهد شد:

۱. روش‌های تبیین معانی واژگان در کتاب «المفردات فی غریب القرآن»

مؤلف کتاب المفردات، روش‌های متعددی برای تبیین معانی واژگان قرآنی به کار برده است. هرکدام از روش‌های به‌کاررفته در این کتاب، نیازمند برخی ملاحظات است که در ذیل ذکر می‌گردند:

۱-۱. استناد به روایات

راغب در تبیین معانی واژگان قرآنی، علاوه بر استناد به آیات قرآنی و اشعار، به طور گسترده‌ای از روایات بهره برده است، اما در این میان، اشکالاتی وجود دارد که در ذیل مطرح می‌شود:

۱-۱-۱. استناد به روایات ضعیف و بدون سند

در کتاب «المفردات فی غریب القرآن»، نوع روایات از نظر صحّت و ضعف، تبیین نشده و روایات ضعیف مورد استناد قرار گرفته‌اند. اگرچه کتاب المفردات در درجه اول، یک کتاب لغت است، اما استناد به روایات ضعیف در هر نوع کتابی، اشکال شمرده می‌شود. دلیل وجود روایات ضعیف در کتاب المفردات، سخن محقق این کتاب^۱ در مقدمه است که یکی از کارهای خود در رابطه با تحقیق درباره این کتاب را مشخص کردن روایات ضعیف دانسته است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۵، مقدمه محقق).

۱-۱-۲. عدم تبیین نوع عبارت منقول

از اشکالات دیگری که در این کتاب مشاهده می‌شود عدم تبیین نوع عبارات منقول است. برای نمونه، در ماده «اجل»، عبارت «مَنْ أَخْطَأَ سَهْمَ الرَّزِيَّةِ» را نقل می‌کند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۶۵)، بدون اینکه مشخص کند این عبارت، روایت است یا اقوال حکما و یا ضرب المثل. وی این قول را با لفظ «قوله» آغاز می‌کند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۶۵) که نشان می‌دهد این عبارت، حدیث است؛ اما این عبارت، در منابع حدیثی یافت نشد و این مطلب نشان می‌دهد که

۱. صفوان بن عدنان داوودی، مؤلف و محقق اسلامی و مدرس حرم نبوی در مدینه منوره.

این عبارت، سخن حکما و یا غیره است و نمی‌تواند حدیث باشد.

۱-۱-۳. خطا در نسبت دادن یک عبارت یا روایت به یک شخص

یکی از اشکالات در بحث استناد به روایات در کتاب المفردات آن است که مؤلف در برخی مواقع، روایت یا سخنی را به اشتباه به کسی دیگر نسبت می‌دهد، مثلاً وی حدیث «إِذَا النِّسَاءُ بَلَغْنَ نَصَّ الْحَقَّاقِ» را به عمر بن خطاب نسبت می‌دهد، در حالی که گوینده اصلی آن، امام علی عَلَيْهِ السَّلَامُ بوده (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۲۴۷، پاورقی شماره ۱) و یکی از سخنان ایشان در نهج البلاغه است (شریف رضی، ۱۴۱۴ق، ص ۵۱۸).

همچنان‌که در ماده «عرض» و در رابطه با آیه ﴿وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ﴾ (آل عمران: ۱۳۳) روایتی نقل می‌کند که فردی از عمر بن خطاب سؤالی مبنی بر اینکه اگر این گونه باشد، پس آتش جهنم کجا قرار می‌گیرد؟ که

وی در پاسخ می‌گوید: «إِذَا جَاءَ اللَّيْلُ فَأَيُّ النَّهَارِ» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۵۶۰)، اما به نظر می‌رسد که این جواب، از پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ باشد و اکثر منابع روایی، آن را از جانب پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل می‌کنند (ابن حنبل، ۱۴۲۱ق، ج ۲۴، ص ۴۱۸؛ ابویعلی، ۱۴۰۴ق، ج ۳، ص ۱۷۰ و حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱ق، ج ۱، ص ۹۲).

۱-۲. استناد به قرائات

یکی از مواردی که در کتاب المفردات مشاهده می‌گردد، استناد به قرائات قاریان مختلف در راستای تبیین معانی واژگان و الفاظ قرآنی است؛ اما در این میان، به طور قابل ملاحظه‌ای، به قرائات شاذ و حتی منسوخ، استناد شده و بین این دو، تمیزی صورت نگرفته است که این مطلب، همان گونه که محقق کتاب المفردات به آن اشاره کرده، مورد اشکال است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۲۶، مقدمه محقق).

۱. در همین ماده، دعای «اللَّهُمَّ اغْنِنِي بِالْإِيتِقَارِ إِلَيْكَ» را از پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ دانسته که باز هم مورد تردید است و دعا از آن کسی دیگر است و محقق کتاب، آن را منسوب به عمرو بن عبید دانسته است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۶۴۲، پاورقی شماره ۲).

۱-۳. اشاره به مصادیق الفاظ

در بعضی از موارد، مؤلف کتاب المفردات علاوه بر تبیین معنای واژگان، به مصداق یا مصادیق آن در آیات می‌پردازد. برای نمونه، در ماده «أجر»، لفظ اجور در آیه «وَأَتَوْهُنَّ أَجُورَهُنَّ» (نساء: ۲۵) را کنایه از مهریه زنان بیان می‌کند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۶۴). وی مصداق امر خداوند در آیه «أَتَىٰ أَمْرُ اللَّهِ» (نحل: ۱) را روز قیامت می‌داند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۸۹). وی در برخی موارد، همه نظرات درباره مصادیق یک لفظ یا عبارت قرآنی را نقل و در پایان، نظر خود را بیان می‌کند. برای نمونه، مصداق اولی الامر در آیه «وَأُولَى الْأَمْرِ» (نساء: ۵۹) را از قول مفسران، فرماندهان، آمران به معروف، ائمه اهل بیت علیهم‌السلام - که قول شیعه است - و فقهاء بیان می‌کند و همه این اقوال را صحیح می‌داند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۹۰).

در برخی موارد در کتاب المفردات، تعیین مصداق الفاظ، با نظرات مفسران تطابق دارد. برای نمونه راغب، مصداق «خیر» در آیات: «إِنْ تَرَكَ خَيْرًا» (بقره: ۱۸۰)، «وَأِنَّهُ لِحُبِّ الْخَيْرِ لَشَدِيدٌ» (عادیات: ۸)، «قُلْ مَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ خَيْرٍ» (بقره: ۲۱۵) و «وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ» (بقره: ۲۷۳) را مال کثیر دانسته است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۳۰۰)؛ همان گونه که بیشتر تفاسیر نیز همین قول را برگزیده‌اند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۴۸۳؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۵، ص ۲۳۱؛ آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۴۵۰)، اما گاه نظرات وی با مفسران دیگر همخوانی ندارد و نظری مستقل است. برای نمونه، وی در ماده «حسن»، مصداق حسنه در آیه «مَا أَصَابَكَ مِنْ حَسَنَةٍ فَمِنَ اللَّهِ» (نساء: ۷۹) را ثواب، و مصداق سیئه در آیه «وَمَا أَصَابَكَ مِنْ سَيِّئَةٍ» (نساء: ۷۹) را عقاب دانسته است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۲۳۶)؛ اما تفاسیر معروف فریقین، مصادیق این آیه را موارد دیگری می‌دانند و تقریباً هیچ‌کدام از تفاسیر مهم فریقین، این قول را در نظر نگرفته‌اند (ثعلبی، ۱۴۲۲ق، ج ۳، ص ۳۴۷؛ زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۵۳۸؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۳، ص ۱۲۲). همچنین مصداق قول احسن در آیه «الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ» (زمر: ۱۸) را قولی می‌داند که به دور از شبهه باشد (آی: الأبعد عن الشبهة) (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۲۳۶)؛ که باز هم می‌توان گفت این قول با اقوال منقول از تفاسیر فریقین، تفاوت دارد.

مؤلف تفسیر مجمع البیان، چند قول را در این باره آورده است: ایشان به نقل از زجاج می‌گوید:

«قرآن و غیر قرآن را می شنوند و در نهایت، از قرآن پیروی می کنند»؛ و نیز آورده است: «یعنی از بین واجبات و مباحات، به واجبات به دلیل ثواب بیشتر آنها عمل می کنند» (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۸، ص ۷۷۰).

مؤلف المفردات در برخی موارد، در تعیین مصادیق الفاظ، به بیراهه رفته است. برای نمونه در ماده «بُهِت» در آیه ﴿... وَلَا يَسْرِقَنَّ وَلَا يَزْنِبَنَّ ... وَلَا يَأْتِيَنَّ بِهِتَانٍ يَفْتَرِيَهُ...﴾ (ممتحنه: ۱۲)، مصداق بهتان را زنا می داند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۱۴۸)؛ اما از آنجاکه زنا در اول آیه آمده، این قول، مردود شده است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۱۴۸، پاورقی شماره ۲).

۱-۱-۳. عدم اشاره به همه اقوال در تبیین مصادیق الفاظ

اشکال مؤلف مفردات در مبحث تعیین مصادیق آیات، اکتفاء به برخی اقوال، بدون اشاره به تفاسیر و نظرات دیگر است. برای نمونه، در ماده «کثر» و در تفسیر آیه ﴿إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكُوثَرَ﴾ (کوثر: ۱) نیز همه اقوال در معنا و مصادیق کوثر را ذکر نمی کند و به دو قول اکتفا کرده و می گوید: «گفته شده است که کوثر نهی در بهشت است که نهیهای دیگری از آن منشعب می شوند و نیز گفته شده که آن، خیر کشیری است که به پیامبر ﷺ اعطا شده است» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۷۰۳). وی به تفسیر کوثر به ذریه پیامبر ﷺ از نسل حضرت زهرا(س) اشاره نمی کند که علاوه بر تفاسیر شیعه (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰، ص ۸۳۷)، تفاسیر سنی نیز آن را ذکر کرده اند؛ زیرا این آیه در ردّ زخم زبان های کافران نسبت به پیامبر ﷺ درباره ابتر و مقطوع النسل بودن حضرت نازل شده است (قمی نیشابوری، ۱۴۱۶ق، ج ۶، ص ۵۷۶؛ قاسمی، ۱۴۱۸ق، ج ۹، ص ۵۵۵).

۱-۴. اشاره به وجوه الفاظ

لفظ مشترکی که برای معانی متعددی به کار برده می شود را وجوه می گویند (سیوطی، ۱۳۹۴ق، ج ۲، ص ۱۴۴). در برخی موارد، مؤلف المفردات، به تبیین وجوه معنایی یک واژه می پردازد که دارای معانی متفاوتی در آیات مختلف است؛ برای نمونه، در تبیین معنای واژه «ساعة» در آیه ﴿يَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ يُقْسِمُ الْمُجْرِمُونَ مَا لَبِثُوا غَيْرَ سَاعَةٍ﴾ (روم: ۵۵) می گوید: اولی به معنای قیامت و دومی به معنای مدت زمان کم است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۴۳۴).

مؤلف در ماده «صَعَقَ»، پس از تبیین معنای صاعقه، برای آن سه وجه ذکر می‌کند:
الف) مرگ؛ مانند آیات: ﴿فَصَعَقَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ...﴾ (زمر: ۶۸) و ﴿فَأَخَذْتَهُمُ الصَّاعِقَةُ﴾
(نساء: ۱۵۳).

ب) عذاب؛ مانند آیه ﴿أَنْذَرْتَكُمْ صَاعِقَةً...﴾ (فصلت: ۱۳).

ج) آتش؛ مانند آیه ﴿وَيُرْسِلُ الصَّوَاعِقَ...﴾ (رعد: ۱۳) (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۴۸۵).
همچنین در معانی و وجوه واژه «قلب» در آیات مختلف، می‌نویسد: قلب در آیه ﴿وَبَلَّغَتِ
الْقُلُوبَ الْحَنَاجِرَ﴾ (أحزاب: ۱۰) به معنای ارواح؛ در آیه ﴿إِنَّ فِي ذَلِكَ لَذِكْرًا لِمَنْ كَانَ لَهُ قَلْبٌ﴾ (ق: ۳۷)
به معنای علم و فهم و در آیه ﴿وَلَكِنَّ تَعْمَى الْقُلُوبُ الَّتِي فِي الصُّدُورِ﴾ (حج: ۴۶) به معنای عقل است
(راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۶۸۱).

راغب، معانی و وجوه هرکدام از واژه‌ها و الفاظ قرآنی را با استناد به آیات، ذکر می‌کند. وی به
تبیین معنای لغوی و اصطلاحی واژه‌های قرآنی اکتفاء نکرده و در مواردی که یک لفظ، دارای
معانی متعدد باشد، آن را همراه با شواهد قرآنی ذکر می‌کند. برای نمونه وی در ماده «موت»، معانی و
انواع آن را برحسب معانی و انواع زندگی یادآور می‌شود و انواع مرگ را این گونه یاد می‌کند:

اول: چیزی که در مقابل نیروی رشد و نموی موجود در انسان‌ها، حیوانات و گیاهان قرار بگیرد؛
مانند آیه ﴿يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا﴾ (روم: ۱۹) و آیه ﴿وَأَحْيَيْنَا بِهِ بَلَدَةً مَيِّتًا﴾ (ق: ۱۱).
دوم: زوال و از بین رفتن قوای حسی؛ مانند آیه ﴿يَا لَيْتَنِي مِتُّ قَبْلَ هَذَا﴾ (مریم: ۲۳).
سوم: زوال و از بین رفتن قوای عقلی؛ مانند آیه ﴿أَوْ مَنْ كَانَ مَيِّتًا فَأَحْيَيْنَاهُ﴾ (أنعام: ۱۲۲) و ﴿إِنَّكَ لَا
تُسْمِعُ الْمَوْتَى﴾ (نمل: ۸۰).

چهارم: ناراحتی‌ها و گرفتاری‌های تاریک‌کننده زندگی؛ مانند آیه ﴿وَيَأْتِيهِ الْمَوْتُ مِنْ كُلِّ مَكَانٍ وَمَا
هُوَ بِمَيِّتٍ﴾ (إبراهیم: ۱۷).

پنجم: خواب؛ زیرا گفته شده است که خواب، مرگ سبک است و مرگ، خواب سنگین، و به
همین دلیل خداوند، خواب را توفی نامید؛ مانند آیه ﴿وَهُوَ الَّذِي يَتَوَفَّاكُم بِاللَّيْلِ﴾ (أنعام: ۶۰) و ﴿اللَّهُ
يَتَوَفَّى الْأَنْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا وَالَّتِي لَمْ تَمُتْ فِي مَنَامِهَا﴾ (زمر: ۴۲).

ششم: زوال و از بین رفتن قوای حیوانی و خارج شدن روح از جسد؛ مانند آیه ﴿كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ

المُوتِ﴾ (آل عمران: ۱۸۵) و ﴿إِنَّكَ مَيِّتٌ وَإِنَّهُمْ مَيِّتُونَ﴾ (زمر: ۳۰) (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۷۸۱).

۵-۱. معنایابی لغات به روش تفسیری قرآن با قرآن

اگرچه کتاب المفردات یک کتاب لغت است، اما ساختار آن نشان می‌دهد که این کتاب، مباحث تفسیری را بسیار دقیق و منضبط دنبال کرده است. مؤلف این کتاب علاوه بر تبیین معانی الفاظ در آیات قرآن، به صورت ماهرانه‌ای معانی آیات و ارتباط آنها با یکدیگر را بیان کرده و به طور گسترده‌ای از روش تفسیری قرآن با قرآن بهره جسته است. به همین دلیل، به گونه‌ای می‌توان مفردات راغب را یک کتاب تفسیری قرآن با قرآن قلمداد کرد. گستردگی استفاده از آیات قرآن برای تفسیر آیات دیگر به حدی است که می‌توان گفت راغب حتی در کتاب تفسیر خود، به این اندازه از این روش استفاده نکرده است (ر.ک: راغب اصفهانی، ۱۴۲۴ق).

برای نمونه، وی در معنای ماده «حُبُّكَ» در آیه ﴿وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الْحُبُكِ﴾ (ذاریات: ۷) می‌گوید: «حُبُّكَ به معنای راه‌ها است، که برخی از مردم تصور می‌کنند منظور، راه‌های حسی از طریق ستارگان و کهکشان‌هاست و برخی دیگر آنها را راه‌های عقلی دانسته‌اند که تنها با فهم و بصیرت درک می‌شوند و به این معنا در آیه ﴿الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا... فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ﴾ (آل عمران: ۱۹۱) اشاره شده است» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۲۱۷).

وی در ماده «خبت» و در معنای محبت در آیه ﴿وَبَشِّرِ الْمُخْبِتِينَ﴾ (حج: ۳۴) می‌گوید: «أَي: المتواضعين»؛ مانند آیه ﴿لَا يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِهِ﴾ (أعراف: ۲۰۶) و آیه ﴿فَتُخْبِتُ لَهُ قُلُوبُهُمْ﴾ (حج: ۵۴) «أَي: تَلِينُ وَتَخَشَعُ» و اخبات در اینجا نزدیک به معنی فرود آمدن در آیه ﴿وَأَنَّ مِنْهَا لَمَّا يَهْبِطُ مِنَ حَشِيَّةِ اللَّهِ﴾ (بقره: ۷۴) است» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۲۷۲).

مؤلف المفردات، تا آخر کتاب، این نوع تفسیر آیات قرآنی با آیات دیگر را به صورت روشمندی دنبال می‌کند و مفاهیم برخی آیات را به وسیله آیات دیگری روشن و تبیین می‌نماید. آیات زیر، نمونه‌ای از کار ارزشمند مؤلف در این راستا است:

تفسیر آیه ﴿إِنَّهُ ظَنَّ أَنْ لَنْ يَجُورَ﴾ (انشقاق: ۱۴) با آیه ﴿زَعَمَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنْ لَنْ يُبْعَثُوا...﴾ (تغابن: ۱۷) در ماده «حور» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۲۶۲) و تفسیر خافضه در آیه ﴿خَافِضَةً رَافِعَةً﴾

(واقعة: ۳) با آیه «ثُمَّ رَدَدْنَاهُ أَسْفَلَ سَافِلِينَ» (تین: ۵) (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۲۸۹).^۱

۲. برخی از خصوصیات کتاب «المفردات فی غریب القرآن»

کتاب المفردات علاوه بر تبیین معانی الفاظ، دارای برخی از خصوصیات مفید است. از جمله اینکه مؤلف کتاب، افزون بر تبیین معانی لغات، به ارائه دیدگاه‌ها و نظرات تفسیری پرداخته و مباحث بلاغی، اخلاقی، فقهی، کلامی و... را نیز مطرح کرده است. بر این اساس، عملاً این کتاب، به یک مجموعه دایرة المعارف در زمینه‌های گوناگون تبدیل شده است. از جمله خصوصیات و مباحث مطرح شده در کتاب المفردات، عبارتند از:

۱-۲. دیدگاه‌ها و نظرات تفسیری

راغب اصفهانی به غیر از روش تفسیری قرآن با قرآن در کتاب «المفردات فی غریب القرآن»، گاهی از تفاسیر دیگر نقل قول کرده و یا خود در مورد تفسیر برخی از آیات، به اظهار نظر پرداخته است. درباره روش و دیدگاه‌های تفسیری راغب در کتاب المفردات، نکات ذیل، قابل توجه است:

۱-۱-۲. ارائه تفسیری مطابق با دیگر تفاسیر

در برخی موارد راغب، تفسیری مطابق با تفاسیر دیگر ارائه می‌دهد. برای نمونه، در ماده «اذن» درباره آیه «وَفِي آذَانِهِمْ وَقْرًا» (أنعام: ۲۵) می‌گوید: «إشارة إلى جَهْلِهِمْ لَا إِلَى عَدَمِ سَمْعِهِمْ» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۷۰)؛ که این معنا در تفاسیر دیگر نیز نزدیک به این مضمون آمده است (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۷، ص ۱۰۸ و طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۴، ص ۴۴۳). همچنان‌که در برخی تفاسیر آمده است «وقراً» یعنی در گوش‌های آنها مانعی از شنیدن سخن سودمند وجود دارد (ابن کثیر، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص ۲۲۱). وی در ماده «قبر» در تفسیر آیه «وَمَا أَنْتَ بِمُسْمِعٍ مَن فِي الْقُبُورِ» (فاطر: ۲۲) می‌گوید یعنی آنهایی که مانند مردگان هستند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۶۵۱). این قول، در تفاسیر دیگر نیز با این مضمون آمده است (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۸، ص ۶۳۳؛ طباطبایی، بی تا، ج ۱۷، ص ۳۷).

۱. برای نمونه‌های بیشتر، تفسیر آیه «وَلِلرِّجَالِ عَلَيْنَهُنَّ دَرَجَةٌ» (بقره: ۲۲۸) و چرایی بیشتر بالا بودن درجه مردان نسبت به زنان با آیه «الرِّجَالُ قَوَّاهُونَ عَلَى النِّسَاءِ...» (نساء: ۳۴) (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۳۱۰)؛ تبیین مفهوم آیه «فِي بُيُوتِ أَذْنِ اللَّهِ أَنْ تُرْفَعَ» (نور: ۳۶) با اشاره به آیه «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ...» (أحزاب: ۳۳) (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۳۶۱)؛ تبیین و تطبیق معنای «السَّائِحُونَ» (توبه: ۱۱۲) با آیه «أَقْلَمَ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ...» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۴۳۱).

۲-۱-۲. ذکر یک تفسیر و چشم‌پوشی از تفسیرهای دیگر

در برخی موارد ملاحظه می‌گردد که راغب از بین چند تفسیر، فقط یکی از اقوال را برمی‌گزیند و بقیه را ذکر نمی‌کند. برای نمونه، در ماده «اذی» و در آیه ﴿وَالَّذَانِ يَأْتِيَانَهَا مِنْكُمْ فَادُّوهُمَا﴾ (نساء: ۱۶) می‌گوید: «إشارة إلى الضرب» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۷۲). ولی «اذی» در اینجا می‌تواند به دیگر آزارها هم تفسیر شود (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۳، ص ۳۵). فخر رازی قول اذیت کردن به معنای توبیخ و سرزنش نمودن را ترجیح داده و می‌گوید: «مدلول آیه قرآنی، اذیت کردن و آزار دادن است و این امر تنها به وسیله اذیت کردن با زبان هم حاصل می‌شود و دلیلی در آیه بر زدن نیست» (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۹، ص ۵۳۲).

۳-۱-۲. ترجیح یک تفسیر بر تفسیرهای دیگر

در برخی مواقع ملاحظه می‌گردد که مؤلف المفردات، تفسیری بر تفسیر دیگر را ترجیح می‌دهد. برای نمونه، وی در ماده «رَب» و در معنای این کلمه در آیه ﴿قَالَ مَعَاذَ اللَّهِ إِنَّهُ رَبِّي﴾ (یوسف: ۲۳) می‌گوید: «گفته شده است که منظور، خداوند است و یا به قول برخی، منظور عزیز مصر است که او را بزرگ کرد و اولین نظر، مناسب تر قول وی (یوسف) است» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۳۳۶)، اما تأمل در تفاسیر فریقین نشان می‌دهد که اگرچه برخی مفسران نیز معنای اول را برگزیده‌اند (طباطبایی، بی تا، ج ۱۱، ص ۱۲۳)، اما به قول مؤلف مجمع‌البیان، هاء در «أَنَّهُ» نزد اکثر مفسران، عائد به عزیز مصر است که همسر زلیخا است (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۱۲، ص ۱۰۸؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۵، ص ۳۴۱؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۸، ص ۴۳۸؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹ق، ج ۴، ص ۳۲۵).

۴-۱-۲. ارائه تفسیری مخالف با دیگر تفاسیر

در برخی مواقع، مؤلف المفردات، تفسیری برخلاف تفاسیر دیگر ذکر می‌کند. وی در ماده «رُسل» نیز در تفسیر آیه ﴿يَا أَيُّهَا الرُّسُلُ كُلُّوا مِنَ الطَّيِّبَاتِ...﴾ (مؤمنون: ۵۱) می‌گوید برخی گفته‌اند که منظور از رُسل در اینجا، گزیده یاران پیامبر ﷺ هستند که به دلیل اینکه با وی تشکیل یک مجموعه را می‌دهند، از آنها به عنوان «رُسل» یاد کرده است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۳۵۳). البته این تفسیر، تفسیری بعید به نظر می‌رسد؛ زیرا در المیزان آمده که این خطاب، برای همه پیامبران است

(طباطبایی، بی تا، ج ۱۵، ص ۳۵). در تفاسیر دیگر نیز چند احتمال ذکر شده است (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۷، ص ۱۷۴؛ فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۲۳، ص ۲۸۱). نیز گفته شده است که مخاطب این آیه، تنها پیامبر ﷺ بوده و این بر اساس مذهب (راه و روش) عرب‌ها است که فرد را با صیغه جمع خطاب می‌کنند (طبری، ۱۴۱۲، ج ۱۸، ص ۲۲؛ بغوی، ۱۴۲۰، ج ۳، ص ۳۶۷؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۷، ص ۱۷۴؛ فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۲۳، ص ۲۸۱).

در ماده «صَلَاة» و در معنای آیه «لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ» (مدثر: ۴۳) می‌گوید: (أَي: مِنْ أَتْبَاعِ النَّبِيِّينَ) (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۴۹۲) که تفسیری شاذ است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۴۹۲)؛ چراکه در اینجا مفسران، آن را به معنای حقیقی آن، یعنی نماز گرفته‌اند (طبری، ۱۴۱۲، ج ۲۹، ص ۱۰۴؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰، ص ۵۹۱؛ فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۳، ص ۷۱۶؛ بیضاوی، ۱۴۱۸، ج ۵، ص ۲۶۳).

۲-۱-۵. عدم‌گزینش تفسیری خاص

راغب در المفردات در اغلب موارد، تفاسیر مربوط به یک آیه را ذکر می‌کند بدون اینکه خود، یکی از این تفاسیر را برگزیند. برای نمونه در ماده «رَدَّ» و در رابطه با آیه «فَرَدُّوا أَيْدِيَهُمْ فِي أَفْوَاهِهِمْ» (ابراهیم: ۹) آورده است که گفته شده آنها سرانگشتان خود را از سر ناراحتی و عصبانیت گاز گرفته‌اند و یا برخی دیگر گفته‌اند که با گذاشتن دست بر روی دهان، به سکوت اشاره کرده‌اند و یا نیز گفته شده است که دست بر دهان پیامبران گذاشته‌اند تا آنها را ساکت کنند و استعمال واژه «رَدَّ» در اینجا به این دلیل است که آنها این کار را چند بار انجام دادند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۳۴۹).

۲-۱-۶. استناد به اقوال مفسران از صحابه و تابعین

اما از دیگر مواردی که معمولاً در کتب تفسیر مشاهده می‌گردد استناد به اقوال مفسران صحابه و یا تابعی در تفسیر آیات و مصادیق الفاظ قرآنی است که راغب در المفردات از آن غافل نمانده است. وی اگرچه در مواردی فقط به عبارت «گفته شده است (قیل)» اکتفا کرده، اما در موارد دیگری، نام کسانی را ذکر می‌کند که اقوال آنها را نقل کرده است. از جمله کسانی که راغب در

المفردات، اقوال آنها را ذکر می‌کند از صحابه، حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَامُ، ابن عباس، ابن مسعود، عمر بن الخطاب و از تابعین، مجاهد، قتاده، حسن بصری، امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ، شعبی و... می‌باشند.

۲-۲. توجه به کنایه، استعاره، تشبیهات و مجاز قرآن

در کتاب المفردات، در کنار تبیین معانی واژگان، نکات بلاغی نیز مورد توجه قرار گرفته است. مؤلف در ماده «اِثْم» و پیرامون معنای آن در آیه ﴿وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ يَلْقَ أَثَامًا﴾ (فرقان: ۶۸) می‌گوید: «أَثَامًا در اینجا به معنی «عذاباً» است؛ زیرا در این آیه، اشاره به سبب شده، ولی مسبب قصد شده است و در اینجا، عذاب را به اثم و گناه نام‌گذاری کرده است؛ چراکه عذاب، نتیجه آنهاست؛ مانند تسمیه گیاهان و گوشت و چربی به باران است؛ چراکه اینها از باران و به سبب آن به وجود می‌آیند» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۶۳).

در ماده «بکی» و در تفسیر آیه ﴿فَمَا بَكَتْ عَلَيْهِمُ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ﴾ (دخان: ۲۹) می‌گوید: «برخی گفته‌اند این آیه، بر حقیقت است و خداوند به آسمان و زمین، زندگی و فهم و دانش خواهد بخشید؛ اما برخی دیگر، آیه را بر مجاز، حمل کرده و گفته‌اند تقدیر آن این است که (فَمَا بَكَتْ عَلَيْهِمُ أَهْلُ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ)، یعنی اهل آسمان و زمین بر آنها گریه نکردند» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۱۴۱)!

استعارات قرآنی نیز مورد توجه مؤلف قرار گرفته است. برای نمونه وی در معنای ماده «رجم» می‌گوید: «رجم به معنای پرتاب سنگ است که در آیات ﴿... يَا نُوحُ لَتَكُونَنَّ مِنَ الْمَرْجُومِينَ﴾ (شعراء: ۱۱۶)؛ ﴿وَلَوْلَا رَهْطُكَ لَرَجَمْنَاكَ﴾ (هود: ۹۱) و ﴿إِنَّهُمْ ... يَرْمُوكُمْ﴾ (کهف: ۲۰) به آن اشاره شده است» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۳۴۵). وی در ادامه، در معنای مجازی این ماده می‌گوید: «رجم در گمانه زنی و ناسزاگویی و طرد هم به عنوان معنای مستعار به کار برده می‌شود؛ مانند آیه ﴿لَأَرْجُمَنَّكَ...﴾ (مریم: ۴۶)، یعنی هرآنچه از آن کراهت داری درباره تو خواهم گفت (أَيُّ: لَأَقُولَنَّ فَيْكَ مَا تَكْرَهُ)» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۳۴۵). اما تفاسیر دیگر، هر دو معنای آن را در این آیه احتمال داده‌اند (ثعلبی، ۱۴۲۲ق، ج ۶، ص ۲۱۷؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۶، ص ۷۹۸؛ طباطبایی، بی تا،

۱. وی در ماده «بیت»، روایتی با این مضمون از پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل می‌کند که «لَا تَدْخُلُ الْمَلَائِكَةُ بَيْتًا فِيهِ كَلْبٌ وَلَا صُورَةٌ» و می‌گوید: «مقصود از بیت در اینجا، دل آدمی است و منظور از سگ، حرص و طمع است» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۱۵۱).

ج ۱۴، ص ۵۹). قابل ذکر است هیچ دلیلی وجود ندارد که «رجم» در اینجا را بدون هیچ قرینه‌ای، به معنای سخن زشت و شتم بگیریم و به نظر می‌رسد همان معنای حقیقی آن، یعنی سنگسار کردن، صحیح‌تر باشد.

از طرف دیگر، مؤلف المفردات در تفسیر بعضی آیات، به معنای مجازی آنها که شاید بیشتر از معنای حقیقی، مورد توجه قرار گرفته، اشاره نکرده است. برای نمونه، در رابطه با آیه ﴿يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَيُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ﴾ (یونس: ۳۱) گفته است: «یعنی انسان را از نطفه، و مرغ را از تخم مرغ، و گیاه را از دل زمین، و نطفه را از انسان خارج می‌کند» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۲۷۰). وی در اینجا، به معنای مجازی آیه، که خارج کردن مؤمن از کافر و بالعکس است، هیچ اشاره‌ای نکرده است؛ زیرا مفسران دیگر، علاوه بر معنای اول آیه، یعنی همان معنایی که راغب آن را برگزیده، معنای دیگری برای آن در نظر گرفته‌اند و آن، بیرون کشیدن مؤمن از کافر و بالعکس است (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۵، ص ۱۶۲؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۷، ص ۲۴۷؛ آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۶، ص ۱۰۴). فخر رازی و آلوسی ادعا کرده‌اند اکثر مفسران بر قول اول هستند. اما علامه در المیزان علاوه بر اینکه قول اول را ذکر کرده، در نهایت، قول دوم را ترجیح داده و گفته است معنای دوم آن، بیرون کشیدن امور مفید از امور غیر مفید است؛ مانند آفرینش انسان زنده، حیوان زنده و گیاه زنده از خاک بی جان و مرده و بیرون کشیدن انسان عاقل صالح از انسان بی عقل و غیر صالح و بالعکس و نیز خروج مؤمن از کافر و کافر از مؤمن. ظاهر آیه کریمه، با نگاه و تأمل در سیاق و نحوه خطاب به آن و اینکه مراد از خروج زنده از مرده و بالعکس چیست، همین معنای اخیر است (طباطبایی، بی تا، ج ۱۰، ص ۵۲).

۲-۳. ارائه اطلاعات درباره نام‌های افراد و مکان‌ها و غیره

راغب در برخی موارد، اطلاعات مفیدی در رابطه با معانی واژگان ارائه می‌دهد. به نظر می‌رسد منبع وی در این رابطه، کتاب دیگرش با عنوان «الدَّرِيْعَةُ إِلَى مَكَارِمِ الشَّرِيْعَةِ» باشد که کتابی با محوریت اخلاقی-اجتماعی است (ر.ک: راغب اصفهانی، ۱۴۲۸ق). وی تقریباً در تمام حوزه‌ها، اطلاعات مفیدی ارائه کرده است. برای نمونه، در ماده «بقر» می‌گوید: «محمّد بن علی عليه السلام به سبب گستردگی علوم گوناگون نزد وی و شکافتن درون آنها، به «باقر» ملقب شده است» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۱۳۸). مؤلف در این کتاب، اطلاعات گسترده‌ای را با طبقه‌بندی و

ترتیب‌بندی خاصی ارائه داده است. از جمله این اطلاعات، عبارتند از:

- اشاره به انواع رزق و روزی خداوند نسبت به بندگان در ماده «حسب» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۲۳۳)؛

- انواع حیات و زندگی در ماده «حیی» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۲۶۸)؛

- انواع ضعف و ناتوانی در ماده «ضعف» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۵۰۷)؛

همچنین در چند مورد، به جغرافیای مکان‌هایی که نام آنها در قرآن ذکر شده، اشاره کرده است. برای نمونه، در ماده «جود»، جودی که در آیه ﴿وَاسْتَوَتْ عَلَى الْجُودِيِّ﴾ (هود: ۴۴) به آن اشاره شده است را نام کوهی می‌داند که بین موصل و جزیره قرار دارد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۲۱۱).

از دیگر معلوماتی که مؤلف در راستای معنایی واژگان قرآنی ارائه می‌دهد، پرداختن به معانی اسامی گوناگون است. برای نمونه، در ماده «حمد» و در معنای نام «محمّد» می‌گوید: «این اسم به معنای کسی است که صفات پسندیده وی فزونی یابد» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۲۵۶). در ماده «حیی» در مورد نام حضرت یحیی علیه السلام می‌گوید: «این نام به این دلیل به وی داده شده است که گناهان، وی را از پای در نیاورده‌اند، همان گونه که خیلی از اولاد آدم را به فنا کشیده‌اند» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۲۷۰).

۲-۴. توجه به مباحث علوم قرآنی

در کتاب المفردات، در کنار مطرح کردن سایر مباحث، از طرح مسائل علوم قرآنی متناسب با معانی واژگان گوناگون غفلت نشده است. برای نمونه، مطرح کردن بحث «مثنائی» و مصادیق آن در ماده «ثنی» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۱۷۹)؛ مسئله خلق قرآن در ماده «خلق» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۲۹۷)؛ تعریف محکم و متشابه در قرآن و انواع آن و نقل اقوال علما در این باره و بسط این مبحث در ماده «شبه» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۴۴۳)؛ بحث تأویل قرآن و شناسایی راسخون در علم و جائز بودن وصل در آیه ﴿وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ...﴾ (آل عمران: ۷)

۱. برای نمونه‌های بیشتر انواع طهارت در ماده «طهر» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۵۲۶)؛ تقسیم علم به نظری و عملی در ماده «علم» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۵۸۰)؛ انواع بی‌نیازی در ماده «غنی» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۶۱۵)؛ معانی چهارگانه فقر در همین ماده (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۶۴۱) و غیره.

(راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۴۴۵) و بحث نزول دفعی یا تدریجی قرآن در ماده «نزل» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۸۰۰).

۲-۵. طرح مسائل اخلاقی-اجتماعی

نکته دیگر اینکه کتاب مفردات راغب سرشار از مباحث اخلاقی و اجتماعی است که در جای جای این کتاب و با تفصیل بندی جالبی مطرح شده‌اند. مباحث اخلاقی و اجتماعی، در لابه لای تبیین معانی واژگان در آیات آمده است. وی در ماده «اکل»، زشتی و قبح غیبت را مطرح کرده و می‌گوید: «اگر گفته شود فلان، فلانی را خورد و یا گفته شود گوشت او را خورد، منظور آن است که وی را غیبت کرد.» راغب این معنا را از آیه ﴿أَيُّجِبُ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا﴾ (حجرات: ۱۲) استخراج می‌کند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۸۰).

راغب در کتاب المفردات، به نکات اخلاقی و اجتماعی فراوانی اشاره و آنها را به شیوه مناسبی تقسیم بندی و ذکر کرده است. کثرت نکات اخلاقی در کتاب المفردات به گونه‌ای است که می‌توان از این کتاب به عنوان یک کتاب اخلاقی یاد کرد. برای نمونه، در ماده «حزن» و در تفسیر آیه «وَلَا تَحْزَنْ» (حجر: ۸۸) می‌گوید: «در اینجا از حزن و ناراحتی نهی نشده است، چراکه حزن و ناراحتی اختیاری نیست؛ بلکه حقیقت نهی در اینجا، عدم درگیر شدن به هر آنچه موجب حزن و کسب آن می‌شود، می‌باشد» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۲۳۱). در ماده «حفظ» و در اهمیت محافظت از فریضه نماز آورده است که معنای آیه ﴿الَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ﴾ (مؤمنون: ۹) این است که آنها از نماز با رعایت اوقات و به جا آوردن ارکان آن و برپایی آن در همه حالات محافظت می‌کنند؛ نماز نیز آنها را به صورتی که در آیه ﴿إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ﴾ (عنکبوت: ۴۵) آمده است، حفظ خواهد کرد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۲۴۵). همچنین در ماده «خوف» و در معنای آیه ﴿... يَدْعُونَ رَبَّهُمْ خَوْفًا وَطَمَعًا﴾ (سجده: ۱۶) می‌گوید: «معنای ترس از خداوند، ایجاد رعب و وحشت در نفس آدمی همانند احساس ترس از یک حیوان درنده نیست؛ بلکه به معنای دوری و اجتناب از گناهان و عمل به طاعات است» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۳۰۳).

به نظر می‌رسد راغب، مسائل اخلاقی در المفردات را از کتابش «الذريعة الى مكارم الشريعة» نقل می‌کند، همان گونه که بحث تفصیلی موضوع «درجات فضائل و رذائل» را به آن کتاب ارجاع

داده است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۷۱۶ و ر.ک: راغب اصفهانی، ۱۴۲۸ق). کتاب دیگر وی که می‌توان گفت راغب، مطالبی از آن را در المفردات آورده، کتاب «تَفْصِيلِ النَّشْأَتَيْنِ وَ تَحْصِيلِ السَّعَادَتَيْنِ» است که یک کتاب اخلاقی - عرفانی است (ر.ک: راغب اصفهانی، ۱۹۸۳م). راغب، هدف خود از آوردن نکات اخلاقی را رسیدن بندگان به منزل عبودیت و مکارم اخلاقی ذکر کرده است (راغب اصفهانی، ۱۴۲۸ق، ص ۶۰).

برخی نکات اخلاقی و اجتماعی که مؤلف این کتاب به آنها اشاره کرده، عبارتند از:

- نکاتی درباره توبه در ماده «توب» (راغب اصفهانی، ۱۴۲۸ق، ص ۱۶۹)؛

- انواع جهل در ماده «جهل» (راغب اصفهانی، ۱۴۲۸ق، ص ۲۰۹)؛

- انواع خیر در همین ماده (راغب اصفهانی، ۱۴۲۸ق، ص ۳۰۰)؛

- تقسیم ذکر به قلبی و لسانی در ماده «ذکر» (راغب اصفهانی، ۱۴۲۸ق، ص ۳۲۸)!

۲-۶. طرح مسائل فقهی

اما مطالب دیگری که مؤلف المفردات به طور قابل ملاحظه‌ای آنها را مطرح کرده است، مسائل و احکام فقهی است. اگرچه مذهب فقهی راغب مشخص نیست (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۱۶، مقدمه محقق)، ولی وی در ذیل شرح بعضی از واژگان، به برخی از نکات فقهی اشاره کرده است. وی این کار را به دو گونه انجام داده است: روش اول، طرح مستقیم مسائل فقهی در ذیل معانی واژگان؛ و روش دوم، استشهاد به روایات فقهی در راستای معنایی واژگان قرآنی. اما از جمله مسائل فقهی که مؤلف، آنها را در کتاب خود مطرح کرده است: اشاره به انواع حدود الهی در ماده «حد» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۲۲۱)؛ بحث از مواضع سجود در ماده «سجد» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۳۹۷)؛ انواع روزه و ذکر برخی از مبطلات آن در ماده «صوم» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۵۰۰) و غیره.

اما مسائل فقهی که مؤلف، آنها را در قالب روایات فقهی ذکر کرده است: روایت نهی از بول

۱. برای نمونه‌های بیشتر بحث رحمت الهی و تفاوت واژه‌های رحمان و رحیم در ماده «رحم» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۳۴۷)؛ انواع شکرگزاری در ماده «شکر» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۴۶۱)؛ تعریف ظلم و انواع آن در ماده «ظلم» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۵۳۷)؛ انواع رستگاری در ماده «فلح» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۶۴۴) و غیره.

کردن در آب را کد در ماده «دوم» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۳۲۲)؛ روایت تحریم خویشاوندان رضاعی همانند خویشاوندان نسبی در ماده «رضع» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۳۵۵)؛ روایت جایز بودن کشتن چند موجود در حالت احرام در حج در ماده «صید» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۴۹۷) و مباحث مربوط به حیض و طهارت زنان و معاف بودن از نماز در ایام مربوطه در ماده «قرأ» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۶۶۸).

۲-۷. طرح مسائل کلامی

نکته‌ای که در کتاب المفردات جلب توجه می‌کند، طرح مسائل کلامی و اعتقادی است که عقاید مؤلف، در لابه‌لای آنها نهفته است. یکی از این مسائل، که به دفعات در المفردات و در رابطه با آیات مختلف مطرح شده است، نفی جسمیت از خداوند است.

محقق کتاب المفردات، نظریه شیعه و یا معتزلی بودن راغب اصفهانی را رد می‌کند. وی به نقل از «رساله اعتقاد» راغب می‌گوید که رؤیت خدا توسط بندگان در روز قیامت را حکما و اصحاب حدیث اثبات کرده و قرآن و سنت به آن سخن گفته‌اند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۱۴، مقدمه محقق). اما توجه به عقاید کلامی راغب، که آنها را در ذیل آیات صفات در کتاب المفردات مطرح کرده است، خلاف این امر را نشان می‌دهد. وی هرگونه جسمیت و رویت را از خداوند نفی می‌کند و این مطلب، وی را به عقاید شیعه و معتزله نزدیک‌تر می‌کند. برای نمونه، در ماده «أتی» و در رابطه با آیه ﴿فَأَتَى اللَّهَ بُنْيَانَهُمْ مِنَ الْقَوَاعِدِ﴾ (نحل: ۲۶) می‌گوید: «أى: بِالْأَمْرِ وَالتَّدْبِيرِ؛ یعنی اتیان خداوند با امر و تدبیر خود است، مانند: ﴿وَجَاءَ رَبُّكَ﴾ (فجر: ۲۲) (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۶۰). همچنان‌که در ماده «جاء» و در آیه ﴿وَجَاءَ رَبُّكَ...﴾ (فجر: ۲۲) می‌گوید: «منظور، آمدن امر خداوند است نه ذات وی»؛ وی این قول را به ابن عباس نسبت می‌دهد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۲۱۲).

در ماده «بصر» و در رابطه با آیه ﴿لَا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ...﴾ (أنعام: ۱۰۳) می‌گوید: «اکثر مفسران آن را بر جوارح حمل کرده‌اند و نیز گفته شده که این آیه اشاره به این معنا (دیدن) و نیز توهمات و فهم‌ها است» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۱۲۷). وی در ادامه و در همین رابطه، به دو قول از امام علی علیه السلام اشاره می‌کند و می‌گوید: این سخنان، اشاره به قول امیرالمؤمنین علیه السلام دارند که

فرموده است: «توحید، آن است که او را در حیطة توهمات خود قرار ندهی» و نیز فرموده است: «هر آنچه که بتوانی درک کنی غیر از آن است» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۱۲۷). نیز از قول امام آورده است: «خداوند برای بندگانش آشکار شد بدون اینکه او را ببیند و خود را به آنها نشان داد بدون اینکه برای آنها آشکار شود» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۱۳۱). هر آنچه از سخنان و نقل قول‌های راغب مشخص است قبول ضمنی این اقوال در عدم امکان رؤیت خداوند متعال است.^۱ در ماده «سوا» و در تفسیر آیه «الرَّحْمَنُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى» (طه: ۵) می‌گوید: «هرگاه این ماده با «عَلَى» متعدی شد، معنای چیره شدن و استیلاء را دارد» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۴۳۹). وی در ماده «عرش» و در معنای آیات «ذُو الْعَرْشِ الْمَجِيدُ» (بروج: ۱۵) و «رَفِيعَ الدَّرَجَاتِ ذُو الْعَرْشِ» (غافر: ۱۵) می‌گوید: «در اینجا عرش، اشاره به مملکت و حکم‌فرمایی خداوند دارند، نه به مکان و جایگاه وی؛ چراکه خداوند از آن به دور است» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۵۵۹).

در ماده «عین» و در تفسیر آیه «وَلْيُصْنَعْ عَلَى عَيْنِي» (طه: ۳۹) می‌گوید: «یعنی در حفظ و عهده من هستی؛ همچنان‌که گفته می‌شود «عَيْنُ اللَّهِ عَلَيْكَ»؛ یعنی در حفظ و رعایت خداوند باشی» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۵۹۹).^۲

اما راغب در دیدگاهی در معنی ماده «الی» می‌گوید: «برخی در مورد آیه «وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ نَاضِرَةٌ إِلَى رَبِّهَا نَاطِرَةٌ» (قیامت: ۲۲-۲۳) می‌گویند معنای آن انتظار کشیدن نعمت خداوندی است که این معنا از نظر بلاغت، به بیراهه رفتن است» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۸۴). در اینجا، محقق کتاب المفردات، اشکال راغب را در پاسخ به معتزله می‌داند که رؤیت خدا رانفی می‌کنند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۸۴، پاورقی شماره ۳)، اما در پاسخ باید گفت که عبارت راغب در اینجا

۱. وی در ماده «درک» و در تفسیر آیه پیشین (أنعام: ۱۰۳) می‌گوید: «برخی آیه را بر حس بینایی، و برخی دیگر آن را به معنای بصیرت حمل نموده‌اند» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۳۱۲). وی پس از نقل روایت «یا مَنْ غَايَةَ مَعْرِفَتِهِ الْقُصُورُ عَنْ مَعْرِفَتِهِ» می‌گوید: «انتهای شناخت خداوند، شناخت موجودات دیگر است تا بدانی او همانند و شبیه به آنها نیست؛ بلکه وی به وجود آورنده هر آنچه قابل درک است می‌باشد» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۳۱۲). همچنان‌که راغب در ماده «رأى» و در رابطه با آیه «فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ» (توبه: ۱۰۵) می‌گوید که اطلاق امور حسی بر خداوند صحیح نیست (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۳۷۴).

۲. همچنان‌که وی واژه «وجه» در آیات «فَأَيُّهَا تُولُوا فَمَمَّ وَجْهَ اللَّهِ» (بقره: ۱۱۵) و «كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ» (قصص: ۸۸) و «يُرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ» (روم: ۳۸) و «إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ» (إنسان: ۹) را به نقل از دیگران، زائد گرفته و مقصود را ذات او می‌داند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۸۵۶).

به هیچ وجه اعتقاد وی به رؤیت خداوند را اثبات نمی‌کند، بلکه اشکال وی فقط به دلیل متعدی نبودن «الی» برای فعل انتظار است. بر این اساس در اینجا می‌توان معانی دیگری غیر از انتظار برای واژه «ناظره» در نظر گرفت که به همان معنی نظر و دیدن باشد، ولی نه نظر به خداوند متعال؛ بلکه نظر به نعمت‌های خداوند است که شامل ثواب‌ها و پاداش‌های بیکران او می‌شود. این تفسیر در مجمع‌البیان این‌گونه آمده است: «أَنَّ الْمُرَادَ إِلَى ثَوَابِ رَبِّهَا نَاظِرَةٌ، أَي هِيَ نَاظِرَةٌ إِلَى نَعِيمِ الْجَنَّةِ» (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰، ص ۶۰۱).

عقیده کلامی و نظرات راغب درباره نفی جسمیت از خداوند متعال و تأویل مواردی همچون «استواء»، «یَدین»، «وَجَه» و «عین» باعث شده است که وی به داشتن اعتقاد به اصول کلامی فاسد و تعطیل صفات خداوند متهم شود. نگارنده مقاله «التَّنْبِيْهَاتُ عَلَى التَّأْوِيلَاتِ فِي كِتَابِ الْمَفْرَدَاتِ لِلرَّاعِبِ الْأَصْفَهَانِي» پس از آنکه راغب را اشعری دانسته است، به قول خود سعی کرده به تأویلات راغب در کتاب المفردات پاسخ دهد. وی تفسیر راغب درباره آیه ﴿فَأَنَّى اللَّهُ بُنِيَانَهُمْ مِنَ الْقَوَاعِدِ﴾ (نحل: ۲۶) که می‌گوید: «أَي: بِالْأَمْرِ وَالتَّدْبِيرِ»؛ یعنی اتیان خداوند با امر و تدبیر خود است، مانند: ﴿وَجَاءَ رَبُّكَ﴾ (فجر: ۲۲) را رد می‌کند و می‌گوید: «تفسیر اتیان به آمدن امر و تدبیر، باطل است و درست آن است که گفته شود این آیات، آمدن خداوند در روز قیامت را به بهترین وجه ممکن و بدون تشبیه و تمثیل و تعطیل نشان می‌دهد» (خمیس، ۱۴۱۹ق، ص ۱۳-۴۲). وی همچنین تفسیر «استواء» در آیه ﴿الرَّحْمَنُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى﴾ (طه: ۵) به استیلاء وارد می‌کند (خمیس، ۱۴۱۹ق، ص ۱۳-۴۲). اشکالات گرفته شده از جانب نگارنده این مقاله نشان می‌دهد که راغب به طور قطع، از اعتقاد به مقوله جسمانیت و رؤیت خداوند، به دور است.

نتیجه‌گیری

کتاب «المفردات فی غریب القرآن» نشان می‌دهد که برای تبیین و درک معانی واژه‌های قرآنی، علاوه بر اشاره به ریشه، اشتقاق، واژه‌های مترادف و وجوه الفاظ، باید معانی آنها را در آیات گوناگون، بررسی و جستجو کرد. این بحث و بررسی در کتاب «المفردات فی غریب القرآن»، در بیشتر حالات منجر به تفسیر آیات قرآن به وسیله آیات دیگر و نیز ارائه دیدگاه‌های

تفسیری شده است. راغب در تفسیر برخی آیات، گاهی اوقات با نظرات دیگر مفسران، همسو و در برخی دیگر، اختلاف نظر داشته است. راغب در کتاب المفردات و در برخی موارد، دچار خطاهایی همچون استناد به روایات ضعیف، خطا در معرفی گوینده حدیث و یا دعا، خطا در تبیین مصادیق الفاظ و ... شده است. مطلب دیگر اینکه کتاب «المفردات فی غریب القرآن» کتابی است جامع که دربرگیرنده موضوعاتی همچون موضوعات اخلاقی، اجتماعی، فقهی، بلاغی، کلامی، تفسیری و مباحث میان‌رشته‌ای است که می‌تواند مورد مراجعه و استناد محققان در رابطه با این زمینه‌ها قرار گیرد.